

## رابطه شیوه‌های فرزندپروری با درگیری تحصیلی

ملیحه حسینی ابریشمی<sup>۱</sup>، زهرا نیکدل<sup>۲</sup>

۱: دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه الزهرا

۲: کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوارسگان، اصفهان

## چکیده:

**مقدمه و هدف:** شیوه‌های فرزند پروری یکی از متغیرهای اساسی در سلامت روان و پیشرفت تحصیلی فرزندان است. هدف از این پژوهش بررسی رابطه میان شیوه‌های فرزند پروری با درگیری تحصیلی است.

**روش پژوهش:** مطالعه حاضر از نوع مروری و با استفاده از منابع کتابخانه ای بود

**نتایج:** نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که میان شیوه‌های فرزندپروری سهل-گیرانه و استبدادی با اختلال رفتاری و درگیری تحصیلی دانش آموزان رابطه مستقیم وجود دارد و میان شیوه فرزندپروری مقتدرانه با اختلال رفتاری دانش آموزان رابطه منفی و معنادار با پیشرفت تحصیلی وجود دارد. نتایج حاصل نشان داد مادران کودکان بهنجار نسبت به مادران کودکان دارای اختلال رفتاری بیشتر از شیوه مقتدرانه استفاده میکنند، همخوانی دارد. بر اساس یافته‌های پژوهش مبنی بر اینکه شیوه تربیتی والدین با پیشرفت تحصیلی و اختلال رفتاری دانش آموزان رابطه دارد، آموزش والدین درباره شیوه‌های فرزند پروری، میتواند به افزایش پیشرفت تحصیلی و کاهش اختلال رفتاری دانش آموزان یاری رساند.

**نتیجه گیری:** شیوه فرزند پروری یکی از عناصر مهم در درگیری تحصیلی دانش آموزان و دانشجویان می باشد.

**کلمات کلیدی:** شیوه فرزند پروری، درگیری تحصیلی، پیشرفت تحصیلی

**مقدمه:**

خانواده از نهادهای مهم و بنیادی جامعه است که نقش اساسی در زندگی فرد و جامعه دارد. اهمیت خانواده در حکم نهادی اجتماعی، امری غیر قابل تردید است. اگر چه فرزند از جامعه و همسالان تاثیر می گیرد، ولی بیشتر تحت تاثیر خانواده است. تاثیر خانواده در کودک و نقشهای مهم آن در جنبه‌های سازندگی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و غیره بسیار مهم و عظیم است (قائمی، ۱۳۸۰). تاثیر خانواده در رشد همه جانبه کودک از لحظه تولد آغاز و با قدرت و فراگیری خاصی آشکار میشود و در سراسر زندگی باقی می ماند. روابط صحیح و متعادل والدین و فرزندان یکی از عوامل مؤثر در سلامت و بهداشت روانی آنان است. تحقیقات نشان می دهد که در میان عوامل گوناگونی که در پرورش و شخصیت سالم در کودکان و نوجوانان مؤثرند، تاثیر متقابل کودک و والدین و نحوه برخورد و ارتباط والدین و کودک از مهمترین و بنیادین عوامل محسوب میشود (نوابی نژاد، ۱۳۰). هر خانواده شیوهای خاص را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می گیرد. این شیوهها که شیوههای فرزندپروری نامیده می شوند، متأثر از عوامل گوناگون مانند عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره است (هاردی و همکاران، ۱۹۹۳ به نقل از خواجه پور ۱۳۸۵). بنابراین نگرشها، اعتقادات و رفتارهای والدین که در قالب الگوی خانوادگی یا شیوههای فرزندپروری نمود پیدا می کند، عاملی بسیار مهم در تکوین شخصیت و تثبیت خصوصیات اخلاقی فرزندان و هویت محسوب می شود (کارگر شولی و پاکنژاد، ۱۳۸۲). هر کدام از این شیوههای خاص تربیتی، می تواند در شکل گیری شخصیت و هویت کودک نقش اساسی داشته باشد (گروتوانت و کوپر؛ به نقل از محمدی، ۱۳۸۴).

**بیان مسئله**

برخورد والدین با کودکان میتواند تغییراتی محسوس در رفتارهای آنان ایجاد کند و سبب ایجاد آرامش در زندگی کودکان شود یا حتی تنش و اختلال در رفتارشان به وجود آورد. شیوه های فرزند پروری یا شیوههای تربیتی والدین بر بروز ناهنجاریهای رفتاری فرزندان آثار درخور توجهی می گذارد. (ریچر ۱۹۹۰). روش تربیت فرزندان از اهمیت و حساسیت بسیار برخوردار است و از بروز بسیاری از آسیبهای روانی و اجتماعی پیشگیری میکند. سبک فرزندپروری می تواند پیش بینی کننده رشد روانی اجتماعی، عملکرد تحصیلی، رفاه و سلامت و حتی مشکلات رفتاری فرزندان در آینده باشد (لارنس ۱۳۹۵). یکی دیگر از جنبه‌های مهم زندگی فرد که تحت تأثیر رفتار والدین است، پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. سطح انتظار و نحوه برخورد والدین، از عوامل تاثیرگذار بر خودپنداره کودک و پیشرفت تحصیلی است. در این پژوهش برآنیم تا رابطه شیوههای فرزندپروری والدین را با پیشرفت درسی و اختلال رفتاری دانشآموزان دوره ابتدایی بررسی نماییم.

**اهداف**

پژوهش	اهداف
پژوهش	بررسی رابطه شیوههای فرزندپروری والدین با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان
پژوهش	بررسی رابطه شیوههای فرزندپروری والدین با اختلال رفتاری دانش آموزان

5. شیوه‌های فرزندپروری والدین با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه دارد. فرضیه‌های  
 الف ( شیوه فرزند پروری مقتدرانه والدین با افزایش پیشرفت تحصیلی دانش آموزانشان رابطه دارد.  
 ب ( شیوه فرزند پروری سهلگیرانه والدین با کاهش پیشرفت تحصیلی دانش آموزانشان رابطه دارد.  
 پ ( شیوه فرزند پروری مستبدانه والدین با کاهش پیشرفت تحصیلی دانش آموزانشان رابطه دارد.

2. بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و جنسیت دانش آموزان رابطه وجود دارد.  
 3. تفاوت معناداری در شیوه‌های فرزند پروری والدین شهرهای مختلف شهرستان خور و بیابانک وجود ندارد.

1. شیوه‌های فرزندپروری والدین با اختلال رفتاری دانش آموزان رابطه دارد. فرضیه‌های  
 ج ( شیوه فرزندپروری مقتدرانه والدین با کاهش اختلال رفتاری دانش آموزانشان رابطه دارد.

چ ( شیوه فرزندپروری سهل گیرانه والدین با افزایش اختلال رفتاری دانش آموزانشان رابطه دارد.

ح ( شیوه فرزندپروری مستبدانه والدین با افزایش اختلال رفتاری دانش آموزانشان رابطه دارد.

1. بین پیشرفت تحصیلی و اختلال رفتاری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.  
**تعریف متغیرها**

اصطلاحاتی که در این پژوهش به کار رفته است در شکل نظری و عملیاتی به شرح زیر تعریف می‌شوند:

**اختلالات رفتاری**

به طور کلی رفتار غیر عادی (نامطلوب) به رفتار یا رفتارهایی گفته می‌شود که پس از ارزیابی دقیق عملی از نظر شرایط بروز آن از رفتار اکثریت گروه سنی مشابه در یک جامعه تفاوت داشته باشد. کودکی دارای اختلال رفتاری یا رفتار نامطلوب است که رفتارهایش نسبت به همسالانش غیر عادی است. به عبارت دیگر رفتارها و احساسات او نسبت به همسالان و بزرگسالان نامناسب و ناپخته است (گنجی، ۱۳۷۶). شایان ذکر است که ملاک سنجش اختلال رفتاری در این پژوهش گزارش معلمان بوده است.

**پیشرفت تحصیلی**

پیشرفت تحصیلی یعنی اینکه فراگیران تا چه حد در رسیدن به اهداف دوره آموزش موفق بوده اند (سیف، ۱۳۸۲). اتکینسون و

همکاران (۱۳۹۴). پیشرفت تحصیلی را توانایی آموخته شده یا اکتسابی حاصل از دروس ارائه شده یا به عبارت دیگر توانایی آموخته شده یا اکتسابی فرد در موضوعات آموزشی می‌دانند که با آزمون‌های استاندارد شده اندازه‌گیری می‌شود. ملاک پیشرفت تحصیلی در این پژوهش معدل دانش‌آموزان بوده است.

### شیوه‌های فرزند پروری

فرزندپروری فعالیتی پیچیده شامل روشها و رفتارهای ویژه است که به طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد. در واقع اساس شیوه فرزندپروری مبین تلاشهای والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکان است (بامریند، ۱۹۹۵؛ به نقل از شکوهی یکتا،

سبک‌های فرزندپروری را به مجموعه‌های از نگرشهای والدین نسبت به فرزندان و در رابطه با تربیت فرزندان تعریف کرده‌اند که سبب ایجاد جوی عاطفی میان فرزندان و والدین می‌شود. شیوه‌های فرزند پروری شامل دو معیار اصلی هستند: محبت و کنترل والدین. کنترل میزان

سخت بودن قواعد و توقع والدین از فرزندان است. محبت نیز شامل صمیمیت، علاقه، مهربانی و عاطفه والدین است. بر اساس این دو شاخص مهم، شیوه‌های فرزند پروری را به سه گروه اصلی 2 تقسیم می‌کنند: شیوه مقتدرانه، شیوه سهلگیرانه و شیوه استبدادی. براساس مطالعات بامریند شیوه‌های فرزندپروری به سه سبک فرزندپروری اقتداری، استبدادی و آسان‌گیرانه تقسیم می‌شوند: نیز سه روش دمکراسی، آزادی و دیکتاتوری را تقریباً با همین محتوا به عنوان شیوه‌های فرزندپروری موجود در خانواده‌ها معرفی کرده است.

### والدین مقتدر

والدینی که این الگوی فرزندپروری را دارند به فرزندان خود استقلال و آزادی فکری می‌دهند و آنها را تشویق می‌کنند و نوعی محدودیت و کنترل را نیز بر آنها اعمال می‌دارند. در خانواده‌هایی با والدین مقتدر اظهار نظرها و ارتباط اخلاقی وسیع در تعامل کودک و والدین وجود دارد و گرمی و صمیمیت نسبت به کودک در سطح بالاست (ماسن و همکاران، ۱۳۳۹). والدین قاطع و اطمینان بخش علاوه بر عهده دار شدن نقش پدر و مادری، مسئولیت تربیت فرزندان را نیز تقبل می‌کنند و همواره سعی می‌کنند که با کسب آگاهی‌های تربیتی بیشتر شیوه‌های گوناگون این کار را انجام دهند.

### والدین سهل‌گیر

این والدین به صورتی افراطی نسبت به کودکان خود پذیرش و پاسخدهی دارند، اما توقعی از کودکان خود ندارند و نسبت به آموزش رفتارهای اجتماعی فرزند خود سهل‌انگار هستند. در این خانواده‌ها نظم و ترتیب و قانون کمی حکمفرماست و پایبندی اعضا به قوانین و آداب و رسوم اجتماعی بسیار کم است و هر کس هر کاری که بخواهد میتواند انجام دهد. بعضی از این والدین اجازه می‌دهند کودک هر کاری که می‌خواهد بکند، شاید به این دلیل که کاری به کودک ندارند یا اینکه اهمیتی نمی‌دهند والدین سهلگیر در ابعاد کنترل و خواسته‌های معتدل در پایینترین سطح هستند. همچنین این خانواده‌ها نسبتاً آشفته‌اند، فعالیت خانواده نامنظم و اعمال مقرر، اهمال کارانه است. این والدین همچنین در زمینه انضباط کودک از نگرشهای متعارض برخوردارند. فقدان خواسته‌های معقول همراه با خودداری از ارائه دلیل و درگیری با کودک، همواره از ویژگی‌های این شیوه به شمار می‌رود. این والدین به‌بندرت به فرزندان خود اطلاعات صحیح با توضیحات ارائه می‌دهند.

## والدین

## مستبد

شیوه فرزندپروری استبدادی با ویژگیهای توقع بالا و پذیرش پایین مشخص شده است. این والدین قوانین خود را به صورت انعطاف ناپذیری تحمیل می کنند. از نظر تربیتی خشن و تنبیه- گردند. با رفتار بد مقابله میکنند و کودک بدرفتار را تنبیه می کنند. ابراز محبت و صمیمیت و آنها نسبت به کودکان در سطح پایین است. آنها امیال کودکان را در نظر نمی گیرند و عقایدش را جویا نمی شوند. کودکان دارای چنین والدینی ثبات روحی و فکری ندارد و خویشتن را بدبخت می- پندارند. آنها زود ناراحت می شوند و در برابر فشارهای روانی آسیب پذیرند.

## بحث و نتیجه گیری:

هدف پژوهش حاضر آزمون مدل علی سبکهای فرزندپروری و عملکرد تحصیلی با واسطه خودکارآمدی تحصیلی و انگیزه پیشرفت در دانشجویان بود. نتایج تحلیل مدل نشان داد که مدل اولیه، برازش نامناسبی با دادهها دارد و برخی از مسیرهای مدل معنادار نبودند که با حذف یک مسیر و وصل کردن یک مسیر خطا برازش بهتری در زمینه روابط ساختاری بین متغیرها حاصل شد. مدلی که ارائه و آزمون شد، اشاره میکند که مقتضیات محیط تربیتی اولیه به طور غیرمستقیم بر عملکرد تحصیلی اثرگذار است. والدین از طریق سبکهای فرزندپرورششان تاثیرات بسیار مهم و چشمگیری در پیشرفت تحصیلی فرزندان در سطوح مختلف آموزش دارند. نوجوانان و جوانان، برای موفقیت در آموزش عالی و زندگی‌شان نیازمند اعتماد، حمایت، روابط نزدیک با خانواده، خصوصا والدینشان هستند. به همین دلیل برخی از محققان پیشنهاد کردهاند که حمایت خانواده از نوجوانان، پشتوانه محکمی در طول زندگی آنها، به خصوص طی سالهای دانشگاه است.

در بسیاری از مطالعات تجربی، محققان تلاش کردهاند که اثرات سبکهای فرزندپروری را بر پیشرفت تحصیلی آنها توضیح دهند. پیامدهای مختلف تحولی کودکان و نوجوانان از جمله در این مطالعات به طور مداوم اثبات شده است که کودکان و نوجوانانی که در خانوادههایی بزرگ شدهاند که سبک فرزندپروری مقتدر در آن وجود داشته است، در مدرسه در مقایسه با کسانی که در خانوادههایی بزرگ شدهاند که انواع دیگر سبکهای فرزندپروری را اتخاذ کردهاند، کارایی بهتری دارند. یکی دیگر از یافته های پژوهش حاضر، رابطه مثبت و معنادار خودکارآمدی تحصیلی با عملکرد تحصیلی است (پارک ۲۰۱۰).

خودکارآمدی به طور نیرومندی در ظرفیت انجام دادن کار، تلاش در جهت فعالیت و به انجام رساندن کارها، پایداری در برابر مشکلات و داشتن یک دیدگاه خوشبینانه اثر دارد، این درحالی است که فردی با سطح پایینی از خودکارآمدی اطمینان کمی به ظرفیت خود برای انجام دادن تکالیف دشوار، آرزوها و تعهد کاری سطح پایین، و دیدگاه بدبینانه‌ای دارد. به طور کلی خودکارآمدی تحصیلی نقش مهمی در انرژی بخشیدن به دانشآموزان برای وضع اهداف بالا، اثرگذاری بر میزان تلاش، و کمک به دانشآموزان برای شناسایی مطمئن راهبردهای موثر یادگیری دارد. به نظر میرسد دانشجویانی که سطح خودکارآمدی تحصیلی پایینی دارند هنگام رویارویی با چالشهای تحصیلی از کوشش خود می‌کاهند و زود به راه‌های دست‌پایین تن میدهند در حالی که افراد با

سطح خودکارآمدی تحصیلی بالاتر فعالیت‌های چالش‌انگیز و محیط‌هایی را بر میگزینند که حس می‌کنند برای انجامشان دنبال دارد. توانایی دارند و همین امر برایشان عملکرد تحصیلی بهتری به یافته جالب توجه این پژوهش رابطه بین انگیزه پیشرفت و عملکرد تحصیلی بود (ری ۲۰۱۹)

نتایج نشان داد که بین انگیزه پیشرفت و عملکرد تحصیلی رابطه معنادار وجود ندارد. یک دلیل احتمالی برای ورود به دانشگاه و همچنین انتخاب رشته آنها باشد؛ برای این نتیجه می‌تواند مربوط به اهداف و انگیزه دانشجویان ممکن است دانشجویان طبق میل و علاقه شخصی انتخاب رشته نکنند و انگیزه آنها از ورود به دانشگاه صرفاً کسب شغل و درآمد مناسب و بدست آوردن جایگاه اجتماعی مطلوب باشد. همچنین به نظر میرسد دلیل دیگری برای بهدست آمدن این نتیجه استفاده از آزمون انگیزه پیشرفت هرمنس باشد، چرا که این آزمون انگیزه پیشرفت را به صورت کلی میسنجد نه صرفاً انگیزه تحصیلی را. براساس یافته‌های پژوهش، همبستگی بین سبک فرزندپروری آسانگیر و انگیزه پیشرفت، و بین انگیزه پیشرفت و عملکرد تحصیلی معنادار بود ولی ضرایب استاندارد این مسیرها معنادار نشد؛ چنانچه معنادار بودن رابطه همبستگی الزاماً به معنای رابطه علی معنادار نیست. به طور کلی محیط خانواده می‌تواند تاثیر به‌سزایی در کیفیت رشد و پرورش فرزندان در زمینه‌های گوناگون از جمله مسایل آموزشی داشته باشد (رضایی ۱۳۹۷). سبک فرزندپروری آسانگیر با فقدان کنترل والدین و پاسخدهی به خواسته‌های کودک مشخص می‌شود. این سبک فرزندپروری با بزهکاری و پرخاشگری فرزندان، بهدلیل فقدان نظارت و ویژگی‌های اهمالکارانه والدین رابطه دارد. معتقد است که خودکارآمدی اهمیت زیادی در فرایند یادگیری خود نظم ده یا خودگردان دارد چرا که بر میزان درگیری و ایستادگی یادگیرندگان در تکالیف چالش‌انگیز اثر می‌گذارد و برای افزایش سطح خودکارآمدی و انگیزه، فرزندان نیازمند حمایت از طرف والدین هستند ولی همانطور که پیشتر اشاره شد ویژگی اصلی اینگونه والدین بیتوجهی است و این عدم توجه به فرزندان و نیازها و خواسته‌های آنان باعث پایین آمدن سطح خودکارآمدی تحصیلی و انگیزه آنان می‌شود که این امر، کاهش عملکرد تحصیلی را در پی دارد. خانواده‌هایی که در آنها سبک فرزندپروری مقتدر اعمال می‌شود، با اعمال قوانین و مقررات لازم و تعیین استانداردهای دقیق، و همچنین داشتن انتظارات متناسب با توانایی فرزندان، به آنها آزادی انتخاب داده و آنها را در تصمیمگیری‌ها دخیل میدانند و ضمن حمایت لازم، به آنها استقلال می‌دهند، در نتیجه فرزندان والدین مقتدر به توانایی‌های خود اطمینان می‌کنند و سطح خودکارآمدی بالاتری دارند. ولی والدینی که سبک فرزندپروری مستبد را در خانواده اجرا می‌کنند، نظارت و کنترل زیادی بر فرزندان‌شان دارند، حق انتخاب را از آنها سلب می‌کنند، توانایی‌های آنها را نادیده می‌گیرند و انتظارات نامعقولی از آنها دارند، فرزندان مجبورند که از والدین به صورت مطلق پیروی کنند که این خود پیامدهای منفی بسیاری دارد، از جمله اینکه فرزندان‌شان نسبت به توانایی‌های خود شک کرده و خودکارآمدی آنها کاهش پیدا می‌کند، و بهدلیل اینکه اهداف و مقاصد زندگی‌شان را خودشان انتخاب نکرده‌اند انگیزه لازم برای ادامه مسیر ندارند (هیبی ۱۳۹۵). یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، جامعه آماری آن بود که تنها دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز را در بر میگرفت؛ پیشنهاد می‌شود جهت افزایش گستره تعمیم پذیری یافته‌ها، مشابه این پژوهش در نمونه‌های گسترده‌تر و دانشجویان دانشگاه‌های دیگر نیز تکرار گردد. محدودیت دیگر، مربوط به سوگیری تکروشی است. استفاده صرف از پرسشنامه‌های خودگزارشی، با افزایش احتمال عدم صداقت، بیدقتی و اهمالکاری دانشجویان در پاسخگویی، به رغم مراقبت پژوهشگر و استفاده از روش‌های برانگیزاننده، منجر به کاهش روایی سازه پژوهش می‌شود. برای رفع این مشکل پیشنهاد می‌شود همزمان با اجرای پرسشنامه از آزمودنی‌ها مصاحبه‌های هم به عمل آید و همچنین از روش‌های آزمایشی برای

تعیین عوامل اثرگذار بر عملکرد تحصیلی استفاده شود. برای رفع مشکل مربوط به آزمون انگیزه پیشرفت نیز پیشنهاد میشود به جای آزمون انگیزه پیشرفت از پرسشنامه‌های انگیزه تحصیلی استفاده شود (زنگه ۱۳۹۷).

منابع:

اسدی، مسعود. ۱۳۸۰. بررسی شیوه های فرزندپروری مادران با اختلالات رفتاری دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی.

مجله همایش بهداشت روان، دانشگاه آزاد واحد سنندج، دوره اول، شماره ۳۱-۵۳، ۵.

اشتاینبرگ، لارنس. (۱۳۹۵) ده اصل ثابت فرزندپروری (ترجمه مهرنوش عابر). تهران: انتشارات رشد.

خواجه پور، مهناز. (۱۳۹۶). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری با سبک‌های هویت و بررسی رابطه آنها در دانش آموزان

دختر و پسر پیش دانشگاهی نواحی چهار گانه آموزش و پرورش شهر شیراز. پایان نامه دانشگاه آزاد، واحد

مرودشت.

رضایی، محمد (۱۳۹۰) رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران (اقتدار منطقی، آزادگذاری و استبدادی) با بلوغ

اجتماعی دانش‌آموزان پایه‌های اول، دوم و سوم مدارس راهنمایی اداره آموزش و پرورش منطقه ۱ تهران.

پایاننامه کارشناسی. دانشگاه تربیت معلم.

زنگنه، حسن. (۱۳۹۷) بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری و پیشرفت تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه

آزاد واحد بیرجند.

فرضی گلفزانی، مرجان (۱۳۹۶). مقایسه شیوه های فرزند پروری مادران کودکان دارای اختلال. مجله پژوهش در حیطه

کودکان استثنایی، سال سوم، پاییز. ۱۱۱-۱۱۵، ۵۳۳۲.

قائمی، علی. (۱۳۹۱). خانواده و مسائل مدرسه‌های کودکان. تهران: نشر آگاه.

کارگرسولی، هدایت و پاکنژاد، فاطمه. (۵۳۳۲) خانواده نخستین عامل تأثیرگذار بر هویت دانش آموزان. ویژه نامه مجله

دانشگاه علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی، سال چهارم، شماره (۵) ۵۳۲-۵۱۱، ۳.

گنجی، حمزه (۱۳۹۹) روانشناسی عمومی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

ماسن، پاول هنری؛ کیگان، جروم؛ هوستون، آلتا کارول و کانجر، جان جین وی. (۵۳۳۹) رشد و شخصیت کودک

(ترجمه مهشید یاسایی). تهران: مرکز نشر.

محمدی، زهره. (۱۳۸۹). بررسی قدرت پیش بینی کنندگی ابعاد هویتی فرزندان توسط ابعاد فرزندپروری والدین در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.

مهرفروز، حجت اله. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین نگرش نسبت به شیوه‌های فرزندپروری مادر با مکان کنترل و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم.

نوابی نژاد، شکوه. (۱۳۹۲). سه گفتار درباره اهمیت و تربیت فرزندان. تهران: انتشارات کلینی.

هیبتی، خلیل. (۱۳۹۴). بررسی شیوه های فرزند پروری والدین و رابطه آن با شیوه های مقابله با استرس دانش آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستان های رشد زرقان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.

فصلنامه خانواده و پژوهش شماره ۸۱

Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 11(1), 56-95.

Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113, 487-496.

Kordi, A., & Baharudin, R. (2010). Parenting attitude and style and its effect on children's school achievements. *International Journal of Psychological Studies*, (2), 217-235.

Lamborn, S. D. et al. (1997). Patterns of competence and adjustment among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent or neglectful families. *Psychological Reports*, 731-748.

Park, Y. S., Kim, B. S. K., Chiang, J., & Ju, C. M. (2010). Acculturation, enculturation, parental adherence to Asian cultural values, parenting styles, and family conflict among Asian American college students. *Asian American Journal of Psychology*, (1), 67-79.

Rey, J. M., & Plopp, J. M. (2019). Quality of perceived parenting in oppositional & conduct disorder adolescents. *Journal of American Academy of Child & Adolescents*



Psychiatry, 29, 382-385.

Richter, J., Richter, G., & Eisemann, M. (1991). Perceived parental rearing, depression and coping behavior. *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, 26, 75-77.

Sedorow, L. (1990). *Psychology*. WN. C. Brown Pub.